



مسئله زیزی، نویجه

نسبت دادند. یکی از نویسندگان این شبهه را چنین القاء کرده است:
 «وی پیرو هوا و هوس بود و با اینکه به پیروانش دستور می داد بیش از چهار زن دائمی اختیار نکنند، خودش زنان بیشتری داشت.^۱»
 مسلم است این گونه سخنان واهی نزد کسی که معتقد به عصمت انبیاء علیهم السلام می باشد، نادرست و نامعقول است.

اکنون که در سال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفته ایم، شایسته است پاسخی

در آستانه قرن هجدهم، برخی از نویسندگان متعصب مسیحی مبارزه جدیدی را بر ضد اسلام آغاز کردند. آنها با انتشار کتابهایی که مملو از دروغ و نسبتهای ناروا به پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بود، تصمیم داشتند مردم را از توجه به آیین اسلام منصرف و نسبت به پیشوای بزرگ آن، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بدبین سازند.

از جمله شبهات آنان مسئله تعدد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که آن را دستاویزی برای خدشه دار کردن چهره پاک و معصوم ایشان قرار دادند و از این رهگذر، سخنان ناروایی به وی

۱. حیات محمد، هیکل، ص ۳۱۵.

متقن و استوار به این شبهه ارائه شود. پرسش اساسی این است:

انگیزه پیامبر ﷺ از تعدد همسران، چه بود؟

در پاسخ به این پرسش، نکاتی بیان می‌شود:

۱. آن حضرت تا سن ۲۵ سالگی در جامعه‌ای پر از فساد، هیچ‌گونه ارتباط جنسی نداشته و در طهارت کامل زیسته است.

۲. تاریخ‌نویسان منصف و بنی‌طرف اعم از مسلمان و مسیحی نوشته‌اند که ازدواج‌های رسول خدا ﷺ برای هوای نفس نبوده است؛ زیرا اگر چنین بود، آن حضرت در سن ۲۵ سالگی که دوران شور و هیجان جوانان است و افکار آنان را چیزی جز برخورداری از همسری جوان و شاداب مشغول نمی‌سازد، با خدیجه، بانویی ۴۰ ساله که نشاط و جوانی خود را در خانه دو شوهر سابقش از دست داده بود، ازدواج نمی‌کرد.^۱

حضرت محمد ﷺ ۲۵ سال با خدیجه در کمال صفا و صمیمیت زندگی کرد و با اینکه دوشیزگان و زنان

عرب، به همسری آن حضرت مباحات می‌نمودند و از طرف دیگر، عرف منطقه مکه تعدد همسران را مردود نمی‌دانست، با زن دیگری ازدواج نکرد. بی‌شک اگر رسول خدا ﷺ تمایل داشت به راحتی می‌توانست در این مدت طولانی با زنان جوان ازدواج کند.

جان دیون پورت انگلیسی می‌گوید: «با اینکه در آن زمان اختیار همسران متعدّد کار بدی نبود، ولی حضرت محمد ﷺ تا پنجاه سالگی با یک زن زندگی کرد و تا خدیجه زنده بود، زن دیگری نگرفت. آیا ممکن است کسی شهوتران باشد و هیچ مانعی هم برای زن گرفتن در کار نباشد، با این حال با یک زن زندگی کند، آن هم با زنی که سن بالایی داشته است؟»^۲

گیورگیو می‌گوید: «محمد ﷺ در

۱. خدیجه دختر خویلد بانویی محترم و با شخصیت بود. ایشان دو بار شوهر کرده بود و «ابو هاله» و «عتیق مخزومی» شوهران متوفای او بودند. (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۱۲۷).
۲. همسران پیامبر، عقیقی بخشایشی، ص ۷۸.

سال ۵۹۵ میلادی از دواج کرد و زندگی خانوادگی او نمونه زهد، تقوا و پاکی بود. او همانند ابراهیم، نوح و یعقوب در محیطی ساده و بی آرایش زندگی می کرد.^۱

توماس کار لایل می گوید: «به رغم دشمنان، حضرت محمد ﷺ هرگز شهوت پرست نبود و این تهمت بی انصافی است.»^۲

۳. علامه طباطبایی ﷺ درباره تعدد همسران پیامبر ﷺ چنین می گویند: «اولین ازدواج آن حضرت ﷺ با خدیجه کبری ﷺ بود و حدود بیست سال و اندی از عمر شریف خود را (که تقریباً یک ثلث از عمر آن جناب است) تنها با یک همسر گذراند و به او اکتفاء کرد که سیزده سال از این مدت بعد از نبوت و قبل از هجرتش (از مکه به مدینه) بوده است. آن گاه در حالی که هیچ همسری نداشت، از مکه به مدینه هجرت کرد و به نشر دعوت و اعلاء کلمه دین پرداخت. سپس با زنانی که برخی بیوه و همچنین برخی جوان و بعضی دیگر عجز و سالخورده بودند، ازدواج کرد. این ازدواجها در

مدت نزدیک به ده سال انجام شد و پس از این چند ازدواج، همه زنان بر آن جناب تحریم شدند، مگر همان چند نفری که در حباله نکاحش بودند و معلوم است که چنین عملی با این خصوصیات ممکن نیست با انگیزه عشق به زن توجیه شود؛ چون نزدیکی و معاشرت با این گونه زنان آن هم در اواخر عمر و آن هم از کسی که در اوان عمر خود ولع و عطشی برای این کار نداشته باشد، نمی تواند انگیزه آن باشد. علاوه بر اینکه هیچ شکی نداریم که بر حسب عادت جاری، کسانی که زن دوست و اسیر دوستی آنها هستند، معمولاً عاشق جمال و مفتون ناز و کرشمه ای هستند که در زنان جوان است؛ در حالی که سیره پیامبر ﷺ از چنین حالتی حکایت نمی کند و عملاً نیز ایشان بعد از دختر باکره با بیوه زن و بعد از زنان جوان با پیره زن ازدواج کرد؛ یعنی بعد از ازدواج با عایشه و ام حبیبه جوان با ام سلمه سالخورده و زینب دختر جحش که در آن روز بیش

۱. همان، ص ۷۸.

۲. همان.

از پنجاه سال از عمرشان گذشته بود، از دواج کرد.^۱

۴. پیامبر اسلام ﷺ پیشنهاد سران قریش را مبنی بر اینکه: اگر پیامبر ﷺ در موضع خود (توحید و یکتا پرستی) نرمی و انعطاف نشان دهد، هر کدام از زنان و دوشیزگان زیبا را که متمایل باشد، به تزویج او در می آورند، به کلی رد کرد.^۲ انسان هوسران چنین پیشنهادی را رد نمی کند.

۵. مردانی که به بهره مندی از زنان می اندیشند، تلاش می کنند با تهیه لباس و توسعه آسایش و هزینه کردن اموال، دل آنان را به دست آورند.

اما پیامبر ﷺ در سال نهم هجری که گسترش اسلام، وضع اقتصادی مسلمانان را بهبود بخشیده بود، وقتی همسرانش از او لباس و وسایل بهتر طلب کردند، یک ماه از همه آنها کناره گرفت و پس از گذشت یک ماه، به دستور خداوند آنها را مخیر ساخت تا میان آسایش و رفاه دنیا و زندگی با پیامبر ﷺ، یکی را برگزینند. آنان که از درخواستهای مادی خود پشیمان شده بودند، زندگی با پیامبر ﷺ را

برگزیدند.

قرآن کریم، رویداد فوق را چنین بیان می کند:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَ أَرْوَاكُ أَنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَرَبَّتْهَا فَمَا لَيَنَّ آمْتَعُكُمْ وَ أَسْرَحَكُمْ سَرَّاحًا جَمِيلًا»^۳

«ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آن هستید، بیایید تا مهرتان را بدهم و [خوش و] خرم شما را رها کنم.»

۶. شیوه های رفتار جنسی آن حضرت با همسران خود، به گونه ای بوده است که کاملاً با شیوه های مرسوم متفاوت است. در برخی کتابهای تاریخی آمده است: «پیامبر ﷺ با زنان متعددی از دواج کرد و جز مراسم عقد انجام نشد و هرگز با آنها آمیزش نکرد؛ حتی در مواردی تنها به خواستگاری بعضی از زنان قبائل قناعت کرد.»^۴ و آنها به همین قدر خوشحال

۱. ترجمه تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ج ۴،

صص ۳۰۷-۳۰۸.

۲. ر.ک: فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، ج ۱، ص

۲۶۹.

۳. احزاب/۲۸.

۴. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۱.

بودند و مباحات می‌کردند که زنی از قبیله آنان به نام همسر پیامبر ﷺ نامیده شده و این افتخار برای آنان حاصل گشته است.

۷. شاخصه اصلی یک انسان اهل هوس این است که متحمل مسئولیتهای سنگین اجتماعی، به ویژه اداره حکومت نمی‌شود.

پیامبر اسلام ﷺ در برهه‌ای از زمان اقدام به اختیار همسران متعدد کرد که حکومت نوپای دینی شکل گرفته و جنگهای متعدد و طاقت فرسا بر ایشان و جامعه اسلامی تحمیل شده بود. یک انسان، با این وظائف و مسئولیتهای سنگین اجتماعی و حکومتی، فرصتی برای مسائل داخلی زندگی ندارد؛ چه رسد به رسول اکرم ﷺ که از همه چیز خود برای حفظ اسلام و جامعه اسلامی گذشته بود.

۸. پیامبر اسلام ﷺ در بین شمار زیادی از صحابه زندگی می‌کرد و تمام حرکات و منس و کنش پیامبر ﷺ زیر نظر و نظارت صحابه بود. با این حال، یک مورد در تاریخ ذکر نشده که احدی

از صحابه در مورد تعدد همسران پیامبر ﷺ اعتراض یا انتقاد کرده باشد. گویا حکمت تعدد همسران پیامبر ﷺ برای صحابه روشن و مشخص بوده است. اگر صحابه و یا منافقین احساس می‌کردند پیامبر ﷺ با هدف شهوترانی دست به این اقدام زده، به طور یقین سخن به طعن و اعتراض می‌گشودند؛ لکن این طعن و اعتراض، به ویژه از ناحیه دشمنان در تاریخ مشاهده نمی‌شود و گویا این امر (تعدد زوجات پیامبر ﷺ) برای آنها موجه و مقبول بوده است.

۹. سخنان پیامبر ﷺ در تکریم همسران، روش مناسبی برای یافتن دیدگاه پیامبر ﷺ در این از دواجهاست. عایشه خود می‌گوید: «پیامبر ﷺ به گونه‌ای به خدیجه عشق می‌ورزید و دوستان وی را چنان محترم می‌داشت که موجب شگفتی می‌شد.»^۱

«و گاه گوسفندی ذبح نموده، گوشت آن را بین دوستان خدیجه

۱. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۱۶.

حکمتها و مصلحتها در تعدد

همسران پیامبر ﷺ

پیش از بیان حکمتها در تعدد همسران پیامبر ﷺ، ابتدا به تعداد آنان اشاره می‌شود. همسران پیامبر ﷺ به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. خدیجه بنت خویلد؛ ۲. سودة بنت زمعة؛ ۳. عایشة بنت ابی بکر؛ ۴. حفصة بنت عمر؛ ۵. زینب بنت خزيمة الهالئیه؛ ۶. ام حبیبة بنت ابی سفیان؛ ۷. ام سلمة بنت ابی امیه؛ ۸. زینب بنت جحش؛ ۹. جویریة بنت الحارث؛ ۱۰. صفیة بنت حبیب؛ ۱۱. میمونة بنت الحارث الهالئیه. این یازده نفر در حقیقت جزء «امهات المؤمنین» به شمار می‌آیند.^۲

به طور کلی، اهداف و انگیزه‌های پیامبر ﷺ از ازدواجهای متعدد را می‌توان در چهار مورد خلاصه کرد:

۱. انگیزه انسانی و عاطفی

زنانی که اسلام آورده و هجرت کرده و سپس همسران آنها مرده یا

تقسیم می‌کرد. بدین روی، در برابر هیچ زنی همانند خدیجه حسادت نمی‌ورزیدیم؛ زیرا پیامبر ﷺ همواره یاد او را گرامی می‌داشت.

یک روز به پیامبر ﷺ گفتم: خداوند در عوض آن پیره زن گندمگون غیر باکره، بهتر از او را نصیب تو ساخته است! پیامبر ﷺ به سختی برآشفتم و در پاسخ فرمود: قسم به خدا! هرگز بهتر از خدیجه نصیب نشده است؛ زیرا او به هنگام کفر مردمان به من ایمان آورد و آن‌گاه که همگان مرا تکذیب کردند، مرا تصدیق کرد و آن‌گاه که همگان محروم کردند، به یاری‌ام برخاست. خداوند از او فرزندان به من عطا فرمود که از زنان دیگر نصیب نساخته است.^۱

بنابراین، با توجه و دقت نظر در موارد مذکور، هر انسان منصف و بی‌غرضی به این نتیجه خواهد رسید که: تعدد همسران پیامبر ﷺ به انگیزه هوسرانی و شهوت پرستی نبوده است، بلکه دارای حکمتها و مصالح دقیقی بوده که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۳۰.
۲. ازدواج النبی ﷺ، دکتر موسی شاهین، ص ۲۰.

شهید شده بودند و راهی برای بازگشت به خاندان مشرک خود نداشتند، چون تحمل فشارهای روانی و مادی آنها بسیار دشوار بود، چگونه می‌توانستند بر دین و عقیده خود پابرجا باشند، در حالی که کفیلی در آن جامعه نداشتند! از این گذشته، بیوه بودن آن زنان باعث تحریک و تهییج هواهای نفسانی و طعنه‌های دیگران در حق آنها می‌شد که گاهی موجب نزاع و بحران بین دو قبیله می‌گردید.

همچنین نیاز بود کسی به لحاظ مادی و اقتصادی متکفل سرپرستی یتیمان بازمانده آنها شود، آن هم در شرایط سخت معیشتی آن زمان که اغلب مردم در فقر و تنگدستی زندگی می‌کردند.

از طرف دیگر، این زنان به خاطر حفظ آبرو و عزت و شخصیت خویش حاضر نبودند با هر کسی ازدواج کنند، اما با از دست دادن سرپرست خود آبرو و ایمانشان در خطر بود؛ لذا پیامبر اسلام ﷺ برای حفظ مصالح مذکور اقدام به ازدواج با آنها کردند. از جمله آن زنان «سوده» است. او و همسرش

سکران بن عمرو از هجرت کنندگان به حبشه بودند. علامه طباطبائی رحمته‌الله درباره علت ازدواج پیامبر ﷺ با سوده چنین می‌گوید:

«ازدواج پیامبر ﷺ با سوده دختر زمعه به این جهت بود که وی بعد از بازگشت از هجرت دوم به حبشه، همسر خود را از دست داد و اقوام و خویشاوندان او همه کافر بودند و اگر به میان اقوامش بر می‌گشت، یا به قتلش می‌رساندند و یا شکنجه‌اش می‌کردند و یا بر گرویدن به کفر مجبورش می‌کردند؛ لذا رسول خدا ﷺ برای حفظ او از این مخاطرات با او ازدواج کرد.»^۱

همچنین پیامبر ﷺ با این اقدام خود می‌خواستند فرهنگ نگهداری از فقیران، مساکین و آبرومندان را در بین مسلمانان ترویج دهند و مؤمنین رفتار و سلوک ایشان را سستی در بین خود قرار دهند؛ چنان‌که ازدواج با «زینب» دختر خزیمه به همین انگیزه انسان دوستانه بوده است. وی پس از مرگ

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۳۰۹.

صلبی خود را بگیرد، از نظر اعراب ازدواج با همسر پسر خوانده نیز ممنوع بود. بر این اساس، رسول خدا ﷺ با زینب ازدواج کرد تا این رسم غلط بر انداخته شود. آیات ۳۷ و ۳۸ سوره احزاب در این باره نازل گردید.^۳

۳. آزاد سازی اسیران و بردگان

«جویریة» دختر حارث بن ابی ضرار، بزرگ یهودیان بنی المصطلق بود. جویریة از اسیران غزوه بنی المصطلق بود که سهم ثابت بن قیس بن شماس گردید و بلافاصله برای آزادی خویش با وی قرار داد مکاتبه منعقد کرد و نزد پیامبر ﷺ آمد و از او خواست وی را در آزاد شدن از این محنت کمک کند. پیامبر ﷺ بهای وی را به ثابت بن قیس پرداخت. آن گاه وی را به ازدواج خود در آورد.^۴

مسلمانان در غزوه بنی المصطلق

شوهر از یک طرف، بی سرپرست و از طرف دیگر، گرفتار فقر و درماندگی شد، در حالی که زنی بخشنده و دلجو و معروف به «امّ المساکین» بود. رسول خدا ﷺ به خاطر حفظ آبرو و شخصیت زینب با او ازدواج کرد. زینب در زمان حیات پیغمبر در گذشت.^۱

۲. وضع قانون و شکستن سنتهای

جاهلی

زینب دختر جحش که دختر عمه پیامبر ﷺ بود، نخست به اشارت رسول خدا ﷺ به همسری زید بن حارثه، فرزند خوانده آن حضرت، در آمد؛ ولی بدان جهت که زید در ابتدا غلام و برده‌ای آزاد شده بود و زینب خود را از نوادگان عبدالمطلب، بزرگ قریش می‌دانست، این پیوند به رغم توصیه‌های مکرر پیامبر ﷺ به طلاق و جدایی انجامید.^۲

در رسوم جاهلیت ازدواج با همسر پسر خوانده ممنوع بود؛ زیرا پسر خوانده در نظر عرب جاهلی حکم پسر را داشت و همان طور که یک مرد نمی‌توانست همسر پسر

۱. ر.ک: بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۰۳.

۲. ر.ک: ناسخ التواریخ، ج ۴، ص ۱۸۸۲.

۳. ر.ک: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۳۰۹.

۴. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۹۴؛ تاریخ طبری،

ج ۲، ص ۲۶۰.

دشمنان استفاده کند که یکی از آنها ایجاد رابطه خویشاوندی از طریق ازدواج با قبائل مختلف بود؛ زیرا محکم‌ترین رابطه در میان عرب جاهلی، رابطه خویشاوندی محسوب می‌شد و دامادِ قبیله را همواره از خود می‌دانستند و دفاع از او را لازم، و تنها گذاشتن او را گناه می‌شمردند.^۳

بنابراین، پیامبر ﷺ از طریق پیوند خویشاوندی با قبائل مختلف به چند هدف نائل می‌شد:

الف. جلوگیری از کارشکنی‌ها و حملات احتمالی برخی از قبائل؛ چرا که این ازدواج‌ها راه را برای کینه‌توزیها و دسیسه‌های بعدی می‌بست.

ب. از آنجا که پیامبر اسلام ﷺ برای هدایت همه مردم آمده بودند، می‌خواستند با این روش یک نحوه تألیف و پیوند عاطفی را که زمینه‌ساز هدایت و گسترش اسلام بود، برقرار کنند.

ازدواج پیامبر ﷺ با عایشه،

حدود دویست نفر از زنان و کودکان را به اسارت گرفتند. با انتشار خبر این پیوند، مسلمانان دیگر، اسیران یهودی را خویشاوندان پیامبر ﷺ خوانده، بیش از صد نفر از اسیران بنی المصطلق را آزاد کردند. با این ازدواج، پدر و برادر و جمعی از خویشاوندان جویریة به اسلام گرویدند.^۱

البته علامه طباطبایی معتقد است: «مسلمانان همه اسیران بنی المصطلق را آزاد کردند و مردان بنی المصطلق چون این رفتار انسان دوستانه را از مسلمانان دیدند، همگی مسلمان شده، به مسلمانان پیوستند.»^۲

۴. انگیزه‌های سیاسی و امنیتی

هنگامی که پیامبر ﷺ ندای اسلام را بلند کرد، تک و تنها بود و تا مدت‌ها جز عده محدود و کمی به او ایمان نیاوردند. او بر ضد تمام معتقدات خرافی عصر و محیط خود قیام کرد و به همه اعلان جنگ داد. بنابراین، طبیعی است که همه اقوام و قبائل آن محیط بر ضد او بسیج شوند.

پیامبر ﷺ می‌بایست از تمام وسائل برای شکستن اتحاد نامقدس

۱. طبقات ابن سعد، ج ۸، ص ۱۲۰.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۳۱۰.

۳. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۱۸.

حفصة، ام حبیبه، صفیه، و میمونه به همین انگیزه بوده است که به بررسی هر یک می‌پردازیم:

۱. ام حبیبه: وی دختر ابوسفیان است؛ یعنی همان کسی که خاندان او با دودمان رسالت دشمنی آشتی‌ناپذیر داشت. ام حبیبه وقتی با همسرش عبد الله بن جحش در دومین بار به حبشه مهاجرت کرد، شوهرش در آنجا مرتد شد و به دین نصرانیت گروید؛ ولی خود او در دین اسلام ثابت قدم باقی ماند.^۱

ام حبیبه سخت در اضطراب و ناراحتی به سر می‌برد؛ زیرا از یک طرف، شوهر او مرتد شده بود و از طرف دیگر، پدرش دشمن درجه یک پیغمبر ﷺ بود و نمی‌توانست به او پناه ببرد. رسول خدا ﷺ با او ازدواج کرد تا هم از عمل نیکش قدردانی شود و هم پدر او دست از دشمنی با آن حضرت بردارد و هم خود او از خطر محفوظ بماند.^۲

۲. صفیه: ازدواج پیامبر ﷺ با صفیه دختر حنی بن اخطب، بزرگ یهودیان بنی النضیر، به این علت صورت گرفت

که پدرش ابن اخطب در جنگ بنی النضیر کشته شد و شوهرش در جنگ خیبر به دست مسلمانان به قتل رسید و خود او در همین جنگ به اسارت در آمد. رسول خدا ﷺ او را آزاد کرد و سپس به ازدواج خود در آورد تا به این وسیله هم او را از ذلت اسارت حفظ کند و هم داماد یهودیان شده باشد و یهود به این خاطر، دست از توطئه و کینه توزی علیه او بردارند.^۳

همچنین این ازدواج زمینه و بستری شد تا بسیاری از یهودیان مشتاقانه به اسلام روی آورند.

۳. میمونه: وی از قبیله بزرگ بنی مخزوم بود که رسول خدا ﷺ در سال ۷ هجری با وی ازدواج کرد.^۴

پس از صلح حدیبیه، پیامبر ﷺ برای اداء مناسک حج سه روز به مکه آمد و میمونه از طریق خواهرش، عباس را واسطه قرار داد تا خود را به

۱. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۲۳.

۲. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۳۱۰.

۳. همان، ص ۳۱۰؛ سیره نبویه، ابن هشام، ج ۳، ص ۳۵۱.

۴. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۰۳.

نیست که در این ازدواج، جلب قلوب مکّیان به اسلام و مسلمین مدّ نظر بوده است؟

۴. حفصه: از روایات اهل سنت به دست می‌آید که ازدواج پیامبر ﷺ با حفصه ظاهراً یک ازدواج سیاسی بوده است. این مطلب از کلام پدرش عمر بر می‌آید؛ زمانی که پیامبر ﷺ حفصه را طلاق داد و خواست که برای بار دوم او را طلاق دهد، عمر به حفصه چنین گفت: «وَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَنَا يُجِئُكَ وَ لَوْلَا أَنَا لَطَلَّقَكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ؛^۱ به خدا سوگند! به یقین دانستم که رسول خدا ﷺ تو را دوست ندارد و اگر به خاطر من نبود، هر آینه پیامبر ﷺ تو را طلاق داده بود.»

۵. عایشه: ازدواج پیامبر ﷺ با عایشه نیز به انگیزه‌های سیاسی - اجتماعی بوده است.

پیامبر ﷺ ببخشد. قرآن کریم اقدام میمونه را چنین گزارش کرده است: ﴿وَأَمْرًا مِّنْهُ إِنَّ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ ﷺ؛^۱ [و همچنین حلال کردم] زن مؤمنی که خود را [داوطلبانه] به پیامبر ببخشد [و برای خود مهری نخواهد].»

پیامبر ﷺ که منتظر فرصتی بود تا بیشتر در مکه بماند و دل مشرکان را به دست آورد و آنها را متحوّل سازد، بلافاصله پذیرفت و درخواست کرد تا جشن عروسی بر پا کنند و ولیمه‌ای داده شود؛ ولی مشرکان به استناد مهلت سه روزه، قرارداد را نپذیرفتند و گفتند: ما را به غذای تو نیازی نیست.^۲ پیامبر ﷺ نیز به ناچار مکه را ترک گفت.

آیا پذیرش همسری میمونه که خود را به پیامبر ﷺ بخشید، در شرایطی که آن حضرت پس از صلح حدیبیه برای انجام مناسک حج به مکه رفته بود و مکه در التهاب این حضور قرار داشت و درخواست پیامبر ﷺ برای برگزاری جشن و دادن ولیمه ازدواج که با کمال تأسف توسط سران شرک پذیرفته نشد، نشانه روشنی بر آن

۱. احزاب / ۵۰.

۲. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۰۰.

۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۵.